

## سخن مترجم

سالها باید که تا یک سنگ اصلی زآفتاب

لعل گردد در بدخشان یا عقیق اندر یمن

سنایی غزنوی

ترجمه، نوعی بازآفرینی است و به واقع، آفریدن دوباره مراد مؤلف است در کسوت زبان مألوف مترجم و از این رو می توان آن را نوعی «خلق جدید» محسوب کرد. با این تعبیر، در کار ترجمه، به جز مرادخوانی و زبان دانی، حضور خلاقیت و آفرینندگی، ترجمه کردن را از «فن» به «هنر» تبدیل می کند و مترجم حقیقی را از میان «اصحاب فن» به جمع «اهل هنر» می کشاند. اگر آنچه در ترجمه صورت می گرفت فقط به کار بستن چند قاعده و استخدام چند معادل، آن هم با کمک یا بدون کمک واژه نامه های لاغر و گاه فربه بود، مدعی ترجمه سرانجام راهی به دهی می برد؛ اما حقیقت جز این است و علت آنکه بعضی هیچ گاه در جرگه اهل ترجمه در نیامده اند و اینکه برخی مترجمان و ترجمه هایشان مقبول طبع مردم صاحب نظر شده اند، در همین نکته نهفته است. در واقع، مترجم فاقد خلاقیت صرفاً یک «مقلد» است و ترجمه اش بیش از آنکه بوی «هنر» بدهد بوی «فرهنگ لغت» می دهد.

دوباره ترجمه متنهای حقوقی گفته اند: صلیبی است که مترجم به دوش می کشد و به واقع نیز ترجمه این متون بارگرانی است که کمتر مترجمی به دوش کشیدنش را برعهده می گیرد و در بین گروه اخیر نیز آنها که تحمل چنین باری را نیک بر می تابند چندان زیاد نیستند؛ زیرا این متون از یک سو بر کثیری از مفاهیم اعتباری و قانونی مبتنی اند و از سویی آکنده اند از واژه های ثقیل و گاه مهجور و غریبی که از رواج افتاده اند و فقط برای اهل حقوق افاده معنا می کنند و ای بسا در هیچ واژه نامه عمومی و حقوقی فارسی هم معادلی برای آنها یافت نمی شود. بیراه نیست اگر متن حقوقی به حریفی «قدر» و «چغر» تشبیه شود که به خاک آوردنش، علاوه بر فنون معمول و رایج، به فنی و شگردی دیگر

نیازمند است که آگاهی بر آن، تلاشی بسیار و همتی استوار می‌خواهد و با این اوصاف، اگر مترجمی با سودایی جز عشق و خدمت با متن حقوقی بیچد، و بر دوش کشیدن این بار را تقبل کند دیر یا زود طعم بازندگی و به سخن علامه دهخدا، «شنت بخیه بر روی کار افتادن» را خواهد چشید.

آنچه مرا به ترجمه نظام حقوقی فرانسه ترغیب کرد نخست، به دست دادن متنی نو و جدید و در عین حال ساده در باب حقوق فرانسه بود و دوم، کمک به دانش حقوق در ایران که نیمی از عمرم را با آن مألوف و مأنوس بوده‌ام و قداست نامش و البته هدفش، هر سخنی را هموار و هر تلاشی را پربار می‌سازد و امیدوارم در این اقدام مدعایم را به اثبات رسانده باشم.

بر خود فرض می‌دانم از آنان که در این کار مشوق و یاور من بوده‌اند خالصانه و از صمیم قلب سپاسگزاری کنم: استاد محترم دکتر مرتضی نصیری که متن ترجمه را با حوصله بسیار مطالعه کردند و نکته‌های فراوان و ارزشمندی را یادآور شدند و موجبات پشتگرمی مرا فراهم آوردند، دوست بزرگوارم دکتر حبیب‌ا... رحیمی که شروع این کار مرهون مساعدت و یاری ایشان بود و از این بابت زحمات فراوانی متحمل شدند، برادر ارجمندم دکتر ستار زرکلام که همچون گذشته و از سر دوستی پرسشهایم را پاسخ دادند و گره‌های بسیاری را گشودند، دوست عزیزم آقای محمود گوهری که در آماده‌سازی نسخه‌های پایانی ترجمه از یاری و کمک هیچ دریغ نکردند، سرکار خانم صغری اورنگی که متن حروفچینی شده را پیش از چاپ با حوصله و دقت فراوان مطالعه کردند و نکات ارزشمندی را متذکر شدند و همچنین سرکار خانم کبری بیون که دلسوزانه و با تعهد فراوان بر کار صفحه‌آرایی و نهایی کردن متن نظارت داشتند.

در باب «رسم الخط» و شیوه نگارش واژه‌ها، روش معمول و مورد قبول من نوعی دیگر بوده و هست، اما در متن حاضر «رسم الخط» سازمان «سمت» که همان شیوه فرهنگستان ادب محسوب می‌شود اعمال گردیده است و از این بابت، چاپ حاضر با آنچه توسط «مرکز پژوهشهای مجلس» منتشر شده بود تفاوت دارد.

راقم این سطور خود به وجود خطا و لغزش در کارش مقرر و معترف است و نیک می‌داند که در این راه هنوز باید توشه برگیرد و نکته‌ها بیاموزد؛ اما این بار نیز مانند گذشته به راهنمایی «اهل حقوق» و تلمذ بیشتر در محضرشان امید دارد و همچنان چشم به راه لطف و یاری آنان است.

## مقدمه مؤلفان

هدف از نگارش کتاب حاضر، ارائه تصویری روشن و قابل فهم از حقوق فرانسه است. چون بسیاری از خوانندگان این کتاب علاقه مند می شوند که در یکی از دانشگاههای فرانسه به تحصیل بپردازند، مطالبی در خصوص مطالعات دانشگاهی و حرفه ای حقوق مطرح گردیده تا این اشخاص برای رسیدن به خواسته خود آمادگی پیدا کنند.

در مواردی که ممکن بوده معادل فرانسه اصطلاحات ذکر شده تا ادامه خواندن مطالب کتاب تسهیل شود و هر جا که چنین امکانی نبوده، عین اصطلاح فرانسه بیان گردیده است. کتاب حاضر ملهم از یک کتاب دیگر است و به موازات آن به نگارش در آمده که مقدمه ای بر نظام حقوقی و زبان حقوقی فرانسه نام دارد و توسط کاترین الیوت، کارول جیروتا و فلورنس هوسیر نوشته شده است. در آن کتاب تلاش شده ضمن ارائه مقدمه ای در باب نظام حقوقی فرانسه، مهارتهای زبانی خوانندگان از طریق ذکر اصطلاحات در متن کتاب افزایش یابد. کتاب اخیر مشتمل است بر متنهای کوتاه به زبان فرانسه، همراه با ترجمه واژه های حقوقی مهم. در پایان هر فصل، تمرینهایی طراحی شده تا به جریان یادگیری کمک کنند، البته پاسخ این تمرینها نیز در پایان کتاب مذکور ذکر گردیده است. علاوه بر این، گزیده هایی از متون مناسب از روزنامه ها و نشریات ادواری فرانسه زبان، پرسشهای آزمایشی و مطالب خواندنی دیگری از متنهای فرانسوی نیز در پایان هر فصل اضافه شده است. بدین ترتیب، متن فرانسوی مذکور، مقدمه ای را در مورد حقوق فرانسه برای خواننده فراهم می کند و در عین حال، مهارتهای زبانی او را افزایش می دهد. اما کتاب حاضر در صدد است آگاهی عمیق تر و فهم گسترده تری از حقوق فرانسه را برای خوانندگانی به دست بدهد که عموماً نمی توانند به زبان فرانسه به آنها دسترسی پیدا کنند. در نتیجه، این دو کتاب را می توان به طور مستقل یا با هم مطالعه کرد که این امر، بستگی به مهارتها و اطلاعاتی دارد که خوانندگان در صدد توسعه و افزایش آن هستند.